

کیمیای آجر و نقش در گنبد خاگی مسجد جامع اصفهان

محمود طاووسی^۱، فریبا آزادی^۲

۱- استاد پژوهش هنر دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

گنبد تاج‌الملک (خاگی) مسجد جامع اصفهان، یادگار کامل و بی‌نقص تحول معماری اسلامی ایران در تبدیل مساجد شبستانی به چهار ایوانی در دوره سلجوقی و موزه بکر و دست نخورده تزینات معماری در این دوره است. این گنبد که در شمال صحن مسجد جامع اصفهان واقع شده، در اواخر قرن پنجم ه. ق. به دستور ابوالفنایم تاج‌الملک خسرو فیروز شیرازی وزیر ملک‌شاه سلجوقی ساخته شد.

آجر به‌عنوان مصالح اصلی این گنبد عهده‌دار دو نقش ساختاری و تزینی نه جدا از یکدیگر بلکه مکمل است. چنان‌که در وجه ساختاری، گنبدی سبک‌ساز و مستحکم را ساخته است که نمایشگر ریاضیات دقیق و رعایت دقیق اصول مهندسی معماری در ساخت گنبد می‌باشد. در وجه تزینی شامل انواع شیوه‌های متنوع و رگ چینی آجر در طرح‌های بدیع و تازه می‌باشد. این آجرکاریها که اغلب با تزینات بندکشی گچی در لابلای آجرها زینت یافته است، نشان دهنده مهارت و ذوق هنرمندانه معمار سلجوقی در ساخت این بنای زیباست.

کلیدواژگان: گنبد سلجوقی، تزینات آجرکاری، بندکشی گچی تزینی، نقش ساختاری و تزینی مسجد چهار ایوانی.

۱- مقدمه

تنهایی و چه در ترکیب با عناصر دیگر مانند گچ به نمایش این قابلیت‌ها و تواناییها می‌پردازد. تزینات آجرکاری در معماری دوره‌های تاریخی نظیر آل‌بویه، سامانیان، غزنویان و سمرانیان سلجوقیان مبین این ادعا است.

سلجوقیان به علت شناخت توانمندیهای این عنصر، استفاده ساختاری و تزینی بسیار تکامل یافته‌ای از آن کردند، بنابراین با ایجاد تحول ساختاری در مسجد جامع اصفهان و تبدیل آن به مسجد چهار ایوانی، سند ماندگاری از «جادوی آجر ایرانی» [۱، ص ۱۳۹] را در ساخت و تزین بخشهای مختلف این مسجد، از خود به یادگار گذاردند.

در این مقاله با تأکید بر تزینات آجرکاری در گنبد تاج‌الملک (گنبد خاگی) مسجد جامع اصفهان، گذری کوتاه بر تاریخچه شکل‌گیری این مسجد در دوره سلجوقیان خواهیم داشت تا با یکی از تحولات عمده معماری ایران، تبدیل مساجد شبستانی به

آجر به‌عنوان یکی از مصالح رایج و شناخته‌شده معماری، نقش عمده‌ای را در ساخت‌وساز بناهای دوره اسلامی در ایران بر عهده دارد. اما یکی از جنبه‌های مهم و قابل توجه کاربرد این عنصر در معماری اسلامی ایران، تلفیق نقش ساختاری و تزینی این عنصر در بناهاست.

آجر به‌عنوان سازه‌ای با قابلیت‌های بصری فراوان از نظر شکل، رنگ، اندازه و فرم، در دوره‌های طولانی از تاریخ معماری اسلامی ایران، بناهایی مستحکم و ماندگار را به‌وجود آورده است، شایان ذکر اینکه این قابلیت‌ها با وجود تمام عوامل مخرب و آسیب‌رساننده، در طول صدها سال پا برجا باقی مانده است، افزون بر آن، آجر و آجرکاری، تزینات بدیع و فراوانی را در بناها به یادگار گذارده است که بیش از هر چیز نشان‌دهنده شناخت معمار ایرانی از این عنصر و استفاده متناسب و به‌جا از استعداد و توانایی آن در زمینه ساخت‌وساز و تزینات می‌باشد. آجر چه به

بیشرفته ایران قبل از ورود آنان و همزمان با انقلابات عظیم ادبی، فرهنگی و هنری غزنویان و سامانیان در سده چهارم وجود داشت، در تاریخ ردپای روشن و تابناک بجا گذارد.

آنچه غیر قابل انکار است وحدت سیاسی، شخصیت‌های نیرومند در مقام فرمانروایی، تأثیرگذاری مثبت پیشینه مستحکم فرهنگی ایران در زمان ورود حکام سلجوقی، بر افکار، اعمال و رفتار مثبت آنان در برخورد با تمدن درخشان ایران، یعنی جذب و هضم عناصر فرهنگ ایرانی، اجازه رشد و شکوفایی این عناصر بدون جانشینی عناصر بیگانه و تازه، در فضایی سالم و مناسب برای رشد و سرانجام استفاده منطقی آنان از حضور وزیران لایق و برجسته‌ای چون خواجه‌نظام‌الملک، عمده‌ترین عوامل در شکل‌گیری و استحکام تمدن سلاجقه در یکی از روشن‌ترین و درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است.

معماری سلجوقی نیز به‌عنوان یکی از جنبه‌های مثبت و رشدیافته فرهنگی و هنری در دوران حکومت سلاجقه ویژگی‌های عمده خود را یافت و در مسجد جامع اصفهان و بویژه گنبد خاکی آنرا نمایان کرد.

در این مقاله مجال آن نداریم تا به بیان تک تک ویژگی‌های معماری این دوران بپردازیم، تنها خاطر نشان می‌کنیم توسعه و تکامل زندگی شهری، ایجاد شهرهای بزرگ، توسعه تجارت و نیاز به سازمان و تشکیلات اداره‌کننده و خدماتی این تکامل اقتصادی، ارتباط شهرهای مختلف با یکدیگر باعث رشد ساخت‌وساز مدارس، بازارها، مساجد، مقبره‌ها، کاروانسراها و روابط شد. سرانجام این گسترش در کمیت، پیشرفت و تکامل در کیفیت را نیز به همراه داشت اما جالبترین مسأله در هنر معماری سلجوقی «سهم ذوق و اندیشه معماران ایرانی در ایجاد چنین دوره درخشان و تثبیت شده‌ای است» [۴، ص ۲۳۷].

این مسأله که از تأثیر فرهنگ ایرانی بر حاکمان سلجوقی برمی‌خیزد، نشانگر استفاده مثبت آنان از این پیشینه فرهنگ عظیم نیز می‌باشد. پیشینه‌ای که علاوه بر دوران درخشان فرهنگی در دوره سامانیان، غزنویان و اساساً دوره قبل از ورود سلجوقیان، ریشه در فرهنگ و هنر پیش از اسلام، بویژه دوره ساسانی دارد. چنان‌که اوژینوگالدیری ایتالیایی که مدتها وقت خود را در کاوش و تحقیق در باب مسجد جامع اصفهان صرف کرده، می‌گوید:

«معماران دوره سلجوقی برای برپایی ساختمانهای خود از اصول دوران ساسانی اقتباس کردند» [۴، ص ۲۳۸]. این زمینه

چهار ایوانی، آشنا شویم. سپس با ویژگی‌های خاص ساختاری و تزئینی گنبد تاج‌الملک به عنوان گل سرسید مجموعه تزئینات آجرکاری سلجوقی آشنا خواهیم شد و در ضمن دسته‌بندی و تفکیک این تزئینات به معرفی و بیان ویژگی‌های این تزئینات خواهیم پرداخت.

گنبد تاج‌الملک یا گنبد خاکی (خاگی)، مسجد جامع اصفهان، یکی از خوش‌فرم‌ترین و زیباترین گنبد‌های تاریخ معماری اسلامی ایران است که در سال ۴۸۱ ه. ق. در زمان ملک‌شاه سلجوقی و به دستور وزیر وی «تاج‌الملک ابوالغنائیم مرزبان بن‌خسرو فیروز شیرازی» ساخته شده است.

این گنبد ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آنرا از گنبد‌های دیگر هم عصر خود متمایز می‌کند، از آن جمله:

ساخت این گنبد، سرآغاز روند تبدیل مسجد شبستانی به چهار ایوانی است. این امر که با تغییر عمده در کالبد مسجد جامع اصفهان در دوره سلجوقی و بین سالهای ۴۴۳-۵۹۰ ه. ق. صورت گرفت، زیر بنای ساختاری مسجد را به‌عنوان یادگار خلافت عباسیان، در هم ریخت.

طبق قول‌های بسیار در منابع معتبر [۲، ص پیشگفتار] ساخت مسجد جامع اصفهان به سال ۱۶۵ ه. ق. باز می‌گردد که مسجدی ساده با صحنی روباز بوده است، در سال ۲۲۶ ه. ق. به امر المعتصم عباسی، پس از تخریب مسجد اولیه، مسجد جدیدی با مساحت بزرگتر و به سبک مساجد شبستانی ستوندار ساخته شد. ساختار این مسجد دست نخورده باقی ماند تا زمانی که در سده سوم ه. ق. حریق رخ داده در این مسجد [۳، ص ۱۱۷] سقف‌های چوبی آن را از بین برد، ساختار آن دست نخورده باقی ماند. مقارن با فرمانروایی آل بویه، یعنی در اواسط سده چهارم، ه. ق. اجزایی به بنای کهن اضافه و فضای ستوندار آن از سمت مشرق توسعه داده شد [۳، ص ۱۲۲]. این تحولات آهسته و پیوسته تا نیمه قرن پنجم و استقرار کامل این سلسله ادامه داشت.

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان غز بودند که به رهبری طغرل بیگ با استفاده از ضعف سلسله‌های آل زیار و آل بویه، محدودیت متصرفات غزنویان و پس از یک سلسله جنگ‌های متعدد، بویژه برای تصرف اصفهان، سرانجام بر قلمرو وسیعی از خاک ایران حاکم شدند.

مجموعه رخدادهای تاریخی، فرهنگی و هنری که در دوره سلجوقیان به وقوع پیوست و پیش‌زمینه‌هایی که در تمدن بسیار

مسجد الحاق شدند.

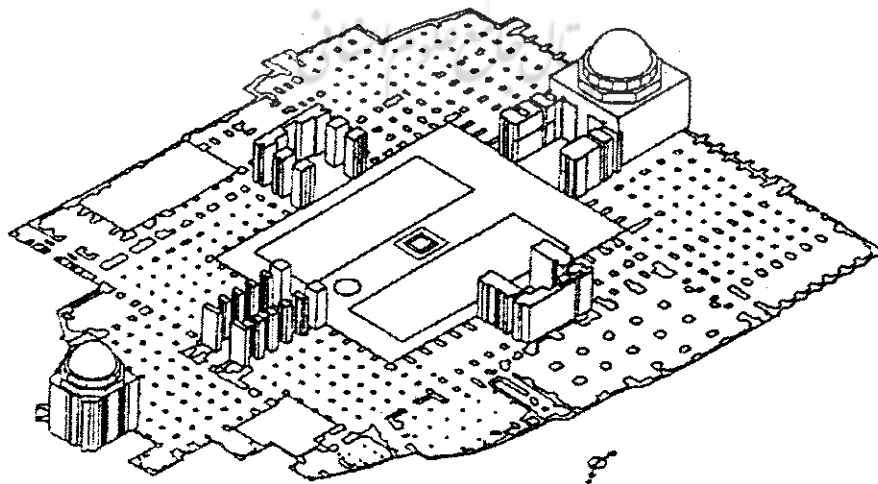
این گنبد از نظر نوع ساخت، تحول عمده‌ای در گنبدسازی سلجوقی محسوب می‌شود، زیرا نمایانگر «ریاضیات دقیق و مکانیک بی‌عیب [۱، ص ۱۰۷]» عصر سلجوقی در ساخت بنایی است که با وجود گذشتن قریب نهصد سال از سن آن، در کشوری زلزله‌خیز، بدون حتی یک ترک خوردگی دوام آورده است، گویی «مانند گنبد قابوس به خاطر ابدیت ساخته شده است» [۱، ص ۱۰۷].

در ساخت این گنبد از ترفندهای بسیار جالبی برای تقسیم نیروهای وارد شده بر دیواره و قاعده گنبد استفاده شده است. معمار سلجوقی با آگاهیهای بسیار علمی و از پیش محاسبه‌شده «ضرورت‌های ریاضی را در ساخت یک گنبد کامل و مطلوب [۱، ص ۱۰۷]» در آن رعایت کرده است. طاقهای بلند و نوک تیز، ستونهای باریک که با بلندای خویش، چشم را بسرعت به بالا سوق می‌دهد و در برخورد با گوشواره‌های سه پر در آغاز گنبد به تعادلی منطقی می‌رسد، این گوشواره‌ها در ۴ گوشه گنبد، قاعده چهار ضلعی را به هشت ضلعی تبدیل می‌کنند و با طراحی وسیع و فراگیر، کثرتی از قوسهای متوالی را می‌سازند که در نهایت به وحدت گنبد دوار ختم می‌شوند، عنصر کلیدی در تبدیل چهار گوش قاعده گنبد به دایره قوس گنبد، گوشواره‌ها و سکنجهای بی در پی و منظمی است که بر اساس نظم و محاسبه دقیق ریاضی گونه نیروها، ایستایی، مقاومت و پایداری فرم گنبد را ساخته‌اند.

ذهنی به سادگی به ایجاد سبکی کاملاً ایرانی و متمایز در معماری ایران پاسخ می‌دهد که همان سبک مساجد چهار ایوانی و اجرای آن در مساجد شبستانی سابق است. موازی با این تحول عمده در شیوه معماری عصر سلجوقی و در زمان و فرمانروایی ملکشاه سلجوقی (۶۶۵-۸۵ ه.ق.) در پایتختش اصفهان، ابتدا گنبد جنوبی (گنبد نظام الملک) در سال ۷۳ ه.ق. به دست نظام الملک وزیر ملکشاه، بر فراز مقصوره‌ای، در پشت ایوان و در فضایی مستقل [۵، ص ۱۸۲] ساخته شد. این امر خود آغازگر تحول ساخت گنبد بر فراز مقصوره بود و سپس ایوان جنوبی به آن افزوده شد.

گنبد شمالی یا گنبد تاج‌الملک، به فاصله ۸ سال از ساخت گنبد جنوبی، به رقابت وزیر جدید ملکشاه با نظام الملک و به امر ترکان خاتون همسر ملکشاه، ساخته شده و این آغاز شکل‌گیری نقشه چهار ایوانی و صحن باز میان آن در تاریخ معماری اسلامی ایران است [۵، صص ۱۸۳] (شکل ۱).

متعاقب همین امر و با برداشته شدن ستونهای صحن، ایوانهای سه‌گانه شمالی، شرقی و غربی، معروف به صفه درویش، صفه شاگرد و صفه استاد، بنا گردید و تغییرات محسوسی در مسجد و شکل ظاهری آن پدید آمد. به این ترتیب مسجد شبستانی ستوندار قبلی به صحنی باز با چهار ایوان و دو گنبد در طرفین شمالی و جنوبی تبدیل شد، شبستانهای ستوندار طرفین ایوان جنوبی و شمالی و نیز شبستان حایل بین گنبد تاج‌الملک و ایوان شمالی در دوره جانشینان ملکشاه، یعنی اوایل سده ششم ه.ق. به



شکل ۱ شکل‌گیری گنبدخانه‌ها و ایوانها در قرن پنجم [۵، ص ۱۸۱]



یعنی سامانیان - غزنویان و آل بویه گذرانده بود و در دوره سلجوقیان به اوج اعتلا و تکوین خود رسید. با وجود استفاده بهجا و اصولی سلجوقیان از آجر در فرمهای تزینتی و استفاده دلنشین از رگ چینی آجرها و ایجاد زیباترین نقوش با آن، «دید هنرمند آن روز در مورد کاربرد آجر، کاملاً تزینتی نبود و آن را عاملی از معماری ساختمان می‌دانست» [۴، ص ۲۶۲]. در بناهای سلجوقی آجر به‌عنوان عنصری بی‌جانترین و کاملاً انتخاب شده به‌کار می‌رفت و «کلیه نیروهای مختلف فشاری و کششی، توسط آجر به صورت حساب شده و دقیق منتقل شده [۴، ص ۲۶۲] و از تمام قابلیت‌های آن برای ساخت و ساز بنایی محکم و بی‌عیب سود برده شده است.

دانش معماران این قوم در رگ چینی آجرها و استفاده از انواع خاص قرارگرفتن آنها در کنار و زیر و روی یکدیگر، در تکامل ایستایی و ثبات فیزیکی بنا، شاید یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های گنبد تاج‌الملک باشد که نهایت دقت و دید علمی معمار، این بنا را در استفاده از اندازه‌ها و طرحهای مختلف آجر در انواع شیوه‌های کاربردی، جهت استحکام و ثبات بنا می‌رساند. آجرهای دوره سلجوقی از نظر اندازه از آجرهای ساختمانی معمول ما بزرگتر و جسیم‌تر بودند. با آنکه اندازه‌های رایج آجر در دوره سلجوقی $25\text{cm} \times 25\text{cm} \times 7.5\text{cm}$ تخمین زده شده است، اما در مسجد جامع به‌عنوان موزه تاریخ معماری سلجوقی به آجرهایی با اندازه بزرگتر (ستونهای شبستان شمالی و جنوب شرقی) یا در برخی منایع با اندازه‌های کوچکتر از آن ($21.5\text{cm} \times 17\text{cm}$) [۱، ص ۱۳۹] برخورد شده است. آجرهای این دوره با وجود وزن زیاد، شکل‌های متفاوتی نظیر قالبی، تراشیده، خوابیده، کله، راسته، گوز یا گود برای نقشهای مختلف و متناسب با فضاهای مختلف داشت.

این اشکال مختلف در بناهای این دوره با چنان تنوع چشمگیری در اندازه، رنگ و نقش و در رجهای تزینتی کنار یکدیگر قرار می‌گرفت که معمار سلجوقی را از کاربرد هر نوع مصالح دیگر بی‌نیاز می‌کرد.

گنبد خاکی سند معتبر تلفیق جنبه‌های کاربردی و تزینتی در آجرکاری دوره سلجوقی است. این دو جنبه عمده در ساخت این بنا، ماهیتی جدا از یکدیگر نداشته و مکمل یکدیگرند. انواع شیوه‌های تزینتی نیز در عین ایجاد فضای بصری دلنشین از تزینات آجری، بر اساس محاسبات ریاضی گونه انجام گرفته‌اند تا

«اریک شرودر در کتاب صنایع ایران ثابت می‌کند که این گنبد کوچک ... با گنبد کاملی که مهندسی پس از کشف اصول ریاضیات عالی توسط نیوتن تعیین نمودند، مطابقت تام دارد» [۴، ص ۱۸]. این در حالی است که معماران سلجوقی، شش قرن قبل از نیوتن [۴، ص ۱۸] افتخار ساخت این گنبد را بر اساس اصول مهندسی و ریاضیات داشته‌اند.

گنبد خاکی، گنبدی سبک‌ساز در تاریخ معماری سلجوقی است، از آن جهت که نه تنها به انعطاف‌پذیری در نقشه مسجد و قرینه‌سازی آن منجر شد، بلکه «در سه سده بعدی معماران ایرانی دلخوش به این ماندند که دست به کار تازه‌ای نزنند، مگر وصالی همان ضوابط و عناصر معمول در کاربردی گنبد بر بالای چهار ضلعی شبستان» [۶، ص ۸۶].

گنبد تاج‌الملک نمونه تکامل‌یافته عادت سنجیده سلجوقیان در استفاده از مصالح آجر به‌عنوان یک عنصر مهم سازه‌ای و تزینتی است. آجر که یکی از مصالح اصلی شهرسازی و معماری سلجوقی است، بارها در آثار این دوره به خدمت گرفته شده است. از این سازه در فرش کردن خیابانهای شهر جرجان در جنوب شرقی دریای مازندران [۴، ص ۲۳۷] به‌عنوان یکی از آثار بجا مانده از این دوران، در انواع شکل‌های تزینتی جناغی - افقی و عمودی، استفاده شده است و نشان دهنده ارزش این عنصر در معماری این دوره است.

سلجوقیان امکانات آجر را به‌عنوان عنصری متناسب با شرایط اقلیمی کویر و مقاوم در برابر تغییرات جوی، شناخته بودند و استفاده وافر آنها از این عنصر در بناهای دوره ایشان مبین این ادعاست.

یکی از ساده‌ترین کارکردهای آجر در این دوره «استفاده از آجر برای نمایش فشارهاست» [۱، ص ۱۴۵].

رجهای آجر در بناهای این دوره به فشارهای متغیر و متفاوت پاسخ می‌گویند و وجود نیروهای مختلف را با شیوه‌ای آرامش یافته خنثا می‌کند. این شیوه عنصر سکنج، فیلگوش و گوشواره است که عهده‌دار تقسیم نیروها و تحمل بارهای مختلف و شکل‌دهنده شکل دایره گنبد بر فراز مربع قاعده است، در عین آنکه خود، با بهترین و جذابترین جلوه‌های نقش و رنگ در آجر کاری تزین می‌گردد.

غیر قابل انکار است که ساخت و ساز و نماسازی با آجر در دوره سلجوقی مراحل آغازین رشد خود را در دوره‌های قبل

به منشوری شانزده ضلعی تبدیل و به دایره گنبد ختم می‌شود (شکل ۳).



شکل ۲



شکل ۳

با وجود آنکه تبدیل شکل مربع به دایره گنبد، بسیار ساده و بر اساس تقسیمات قرینه‌ای و استفاده از اصول محاسباتی ریاضی گونه انجام پذیرفته و تکرار دلنشین و منظمی در این روند احساس می‌شود، اما تزیینات به کاررفته در این مجموعه به هیچ روی حالت قرینه و تکرار شونده ندارد، گویی تابلویی است که

کاهش دهنده و تقسیم‌کننده جهت کشش و فشار نیروهای وارد شده از داخل و خارج به بنا باشد، استحکامی که نوع تزیینات خاص به کاررفته در این بنا به حل اجرا و انجام آن بخشیده است، در مجموع اسکلت محکم و استحکام ارگانیکی را به کل مجموعه حاکم کرده است.

شاید یکی از زیباترین جلوه‌های تزیینی این بنا، جلوه‌های بصری آن و تأثیر وجودی مصالح آجر در پدیدآوردن این جلوه‌ها باشد. سازنده این بنا گویی علاوه بر معماری، از نقاشی، موسیقی و گرافیک نیز بی‌اطلاع نبوده است، زیرا امروزه یافته‌های ما در این گنبد، مباحثی را در ذهن می‌پروراند که از عمر آنها در تاریخ هنر بیش از یک یا چند صد سال نمی‌گذرد. حضور عناصر بصری چون خط، سطح، حجم، رنگ و نقش در این بنا به حدی قوی و تأثیرگذار است که هماهنگی لطیف و دلنشین آن، بی‌توجه به ملیت، زبان و قوم، بر جان هر بیننده‌ای می‌نشیند.

رنگ دلنشین آجرهای این بنا و نوع تزیینات به کاررفته در آن، نور ساعات مختلف روز، جلوه‌های بصری بسیار عمیق و متفاوتی را می‌آفریند که تنها و تنها در گنبد، خاکی مسجد جامع اصفهان قابل رویت است.

اصطلاح گنبد خاکی (که در افواه عامه خاکی، تلفظ و گفته می‌شده است) به خاطر شکل تخم‌مرغ گونه گنبد است. بنای چهارگوشی در قاعده است که از دو ضلع جنوبی و شرقی باز و از اضلاع غربی و شمالی بسته است، و دو ضلع جنوبی و شرقی ورودیهای آن می‌باشند. این بنا فاقد هر نوع محراب یا محراب نماست و به همین دلیل نظریه برخی باستان شناسان که «انتساب این بنا به مقبره، سایبان، آبنما، یا کتابخانه را مطرح کرده‌اند» [۴، ص ۱۹] براهتی قابل قبول نیست.

در عین حال مسلم است که با وجود دو وجه باز در این بنا، صرف هزینه و وقت برای چنین مصارفی در این گنبد، بعید به نظر می‌رسد، اما به خاطر فرمان ترکان خاتون همسر ملکشاه برای ساخت این گنبد، چنین برمی‌آید که این گنبد، نوعی استراحتگاه خصوصی یا محلی برای رفت و آمد ملکشاه و همسرش به مسجد و ادای نماز بوده است [۴، ص ۱۹] (شکل ۲).

هر یک از اضلاع قاعده گنبد، از یک طاق بزرگ در وسط و دو طاق بلند و باریک در طرفین آن آغاز می‌شود هر جفت از طاقهای بلند و باریک در قسمت بالای قاعده گنبد به یک فیلگوش مرکب از سه گوشواره و چهار طاقنمای تزیینی ختم می‌شود، ساقه گنبد نیز با تبدیل فیلگوشها به سکنجهای کوچکتر،



نقاش آن هر قطعه را با حسی خاص و نقشی خاص رنگ آمیزی کرده است و برآستی علت این همه تنوع و تفاوت در شکل تزیینات، حتی در بخشهای قرینه، بدرستی معلوم نیست و خود، یکی از جلوه های جذاب این گنبد منحصر به فرد است.

تنوع تزیینات، آهنگ متغیر و گوناگون و در عین حال همانگی که مجموعه تزیینات آجرکاری به این بنا داده در نوع خود بی سابقه است و آنرا تبدیل به یکی از زیباترین گنبدهای هم عصر خود کرده است.

در این گنبد مجموعه ای از تزیینات آجرکاری به کار رفته است. این تزیینات در دوره سلجوقی از عمده ترین و زیباترین شیوه ها بوده اند زیرا آجرکاری در دوره سلجوقی مجموعه ای غنی از طرحها و نقشهای بدیع و دلنشین را شامل می شده است. همان گونه که پیشتر گفته شد. تزیینات آجرکاری دوره سلجوقی، بیش از هر چیز نشان دهنده مهارت و ذوق هنرمندانه معماران این دوره در رگ چینی و قراردادن ردیفهای آجری بر روی یکدیگر و ایجاد فضاهای دلنشین با انواع مختلف آجر در حالات مختلف است. بناهای سلجوقی و حتی کف خیابانها، که در شهرسازی آنها در این دوره تکامل یافته است، سرشار از این طرحهای بدیع است.

شیوه های متعدد به کار رفته در تزیینات آجری گنبد خاگی، هم نشینی و تطابق این شیوه ها را در به وجود آوردن مجموعه غنی تزیینات آجرکاری سلجوقی کامل می کند.

در این قسمت سعی خواهد شد با تفکیک و دسته بندی این نقوش، کاربرد هر یک از آنها را در بخشهای مختلف گنبد، مشخص کنیم.

کاربرد آجر در ساخت و ساز و تزیینات این گنبد، از کف آغاز می شود، آجرهای کف گنبد که به شکل تخت به کار برده شده است، در محلهای پر رفت و آمد جلی ورودیهای گنبد، با قراردادن آجرهای تیغه در میانه شان، استحکام بیشتری یافته است. ازاره قاعده گنبد با آجرکاری نیمانی (نوعی رگ چینی که در آن بندکشیهای عمودی رگ بالا درست در وسط آجرهای رگ پایین قرار بگیرد) شکل گرفته و فاقد هر نوع تزیین است. پس از این ازاره تا حدود ۱m به قسمت دیواره قاعده گنبد می رسمیم که با وجود به کارگیری اشکال تزیینی آجرکاری، تا فاصله ۷۰cm، فاقد تزیینات ظریف مانند بندکشی تزیینی میان آجرها می باشد. انجام

این امر دقیقاً به دلیل جلوگیری از سایش و تخریب این تزیینات در اثر تماس با دست یا بدن افراد است.

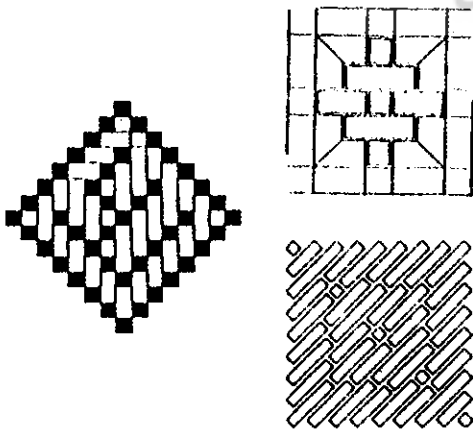
مصالح تزیینی در این گنبد به طور کلی شامل آجر و گچ است که با شیوه های مختلف اجرایی در طرحهای کاملاً متنوع و متفاوت، خود را می نمایند.

مجموعه روشهای به کار رفته در تزیینات آجرکاری این بنا را می توان در چند نوع مشخص برشمرد:

۱-۱- تزیینات خفته راسته

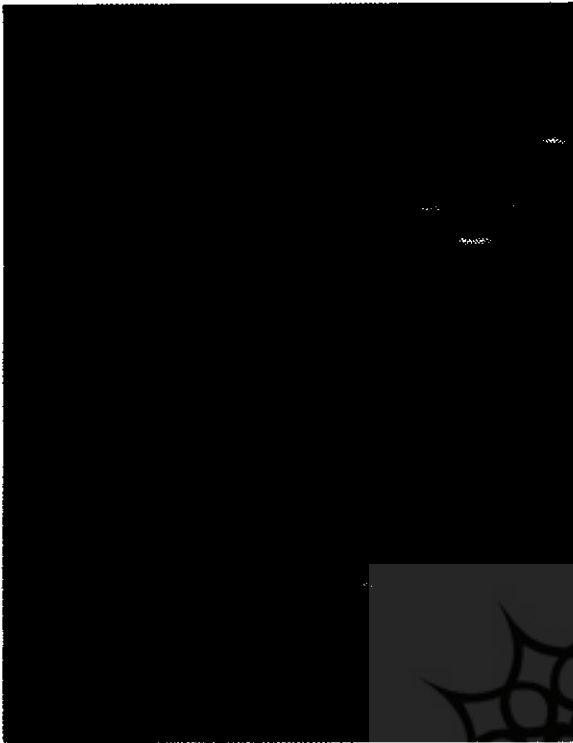
این شیوه تزیینی که عمده ترین شیوه رگ چینی به کار رفته در تزیینات این گنبد است، به شکلهای مختلف قرار گرفتن تیغه آجرها در کنار یکدیگر (کله، راسته، خوابیده) اطلاق می شود و در شکلهای گل برگردان سه و پنج رگی و نیز نقش چلیپایی خودنمایی می کند (شکل ۴) [۴، صص ۲۴۳-۲۴۶].

الف) نقش چلیپایی در دیواره طاق جنوبی، طاقنمای شمالی، دیواره طاق بزرگ و کوچک ضلع شرقی، تزیینات قوس گنبد (شکل ۵): در تمام این نقاط، غیر از قوس گنبد، نقش چلیپا به صورت فرورفته در زمینه مسطح دیوار و همراه با تزیینات بندکشی گچی در مرکز نقش و اطراف آن، خودنمایی می کند. در تزیینات قوس گنبد نقش چلیپا با سایش بندکشی گچی بین آجرها و اختلاف رنگ محسوس بین رنگ آجرهای متن و بندکشیهای گچی پدیدار شده و سبب حضور عنصر خط و رنگ در این تزیینات گشته است.



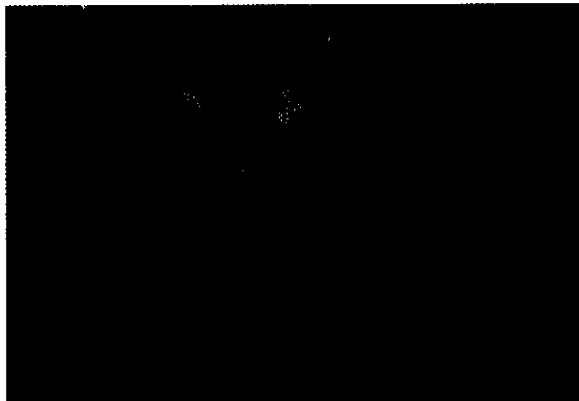
شکل ۴

را دورادور قوس گنبد به وجود آورده است (شکل ۸).

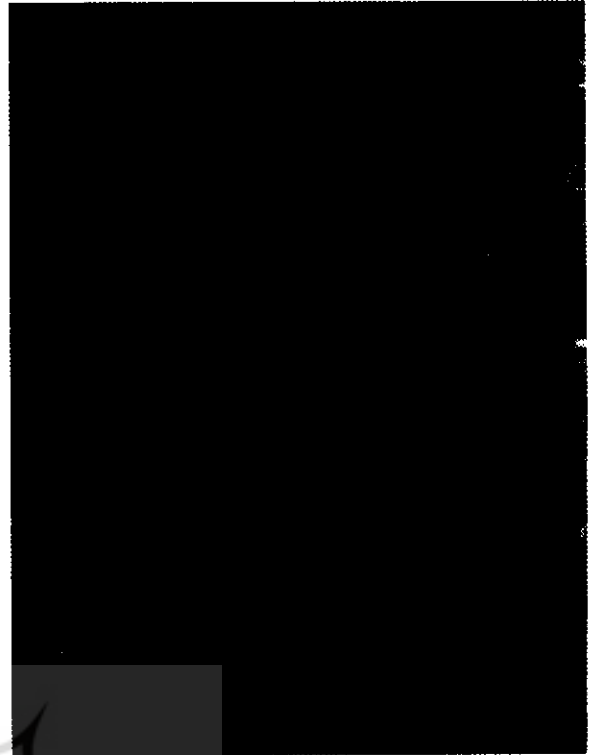


شکل ۷

د) خفته راسته گل برگردان سه رجی با تزیینات بندکشی گچی در ستونهای باریک طرفین طاقها و طاقنماهای بلند پایینی قاعده گنبد، فیلگوشهای طاق، پشت بغلهای میانه فیلگوشهای طاق، سکنجهای فوقانی فیلگوشها که منشور شانزده ضلعی را شکل می دهد (شکل ۹): مجموعه این بخشها علاوه بر تزیینات خفته راسته گل برگردان سه رجی با نقش چلیپایی فرورفته و نیز تزیینات بندکشی گچی تلفیق شده اند.



شکل ۸



شکل ۵

ب) خفته راسته گل برگردان پنج رجی در هلال داخلی طاق جنوبی که به صورت نواری در وسط این هلال و بین کتیبه آجرکاری دو تا دور هلال طاق اجرا شده است (شکل ۶).



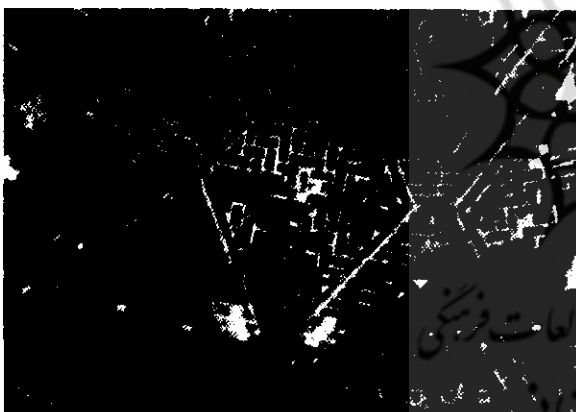
شکل ۶

ج) خفته راسته گل برگردان پنج رجی و بندکشیهای گچی تزیینی با نقش چلیپایی فرورفته در دو طاقنمای بزرگ شمالی و شرقی (شکل ۷): این نقش در قوس گنبد، به وسیله سایش بندکشی گچی بین آجرها نیز اجرا شده است که ردیفهای لوزی

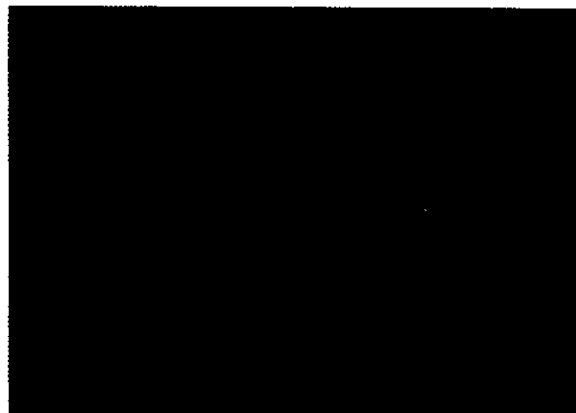


ز) خفته راسته مورب در سکنجهای آغاز قوس گنبد که با بندکشی تزیینی گچی تفکیک ردیف شده است. یکی از جالبترین جلوه‌های خفته راسته مورب در این گنبد است که در قوس داخلی گنبد اجرا شده است. خفته راسته مورب در این قسمت با حایل شدن در بین نقوش پیوسته خفته راسته متداخل قوس گنبد و نیز با سایش و تغییر رنگ بندکشی گچی بین رگ چینها نقشی جذاب را در سرتاسر قوس داخلی گنبد می‌سازد. مجموعه این نقوش متفاوت، سایش بندکشیهای گچی و نیز در برخی موارد، پوسته رویی برخی نقوش مانند نقوش چلیپایی طاق گنبد، فضایی خاص به آن داده است و در اولین نگاه، یادآور آسمان، گردش کاینات و درخشش ستاره‌های نورانی در فضای شب آسمان است (شکل ۹).

هنرمند معمار در این قسمت گنبد زیبایی و جذابیت را در اجرای تزیینات با آجر و گچ به حد کمال رسانده و حرف آخر را زده است.



شکل ۹



شکل ۱۰

ه) خفته راسته متداخل از دو خفته راسته پنج رچی که در هم چفت شده‌اند، این نوع تزیین تقریباً تمام سطح داخلی قوس گنبد را می‌پوشاند (شکل ۱۰).



شکل ۱۱

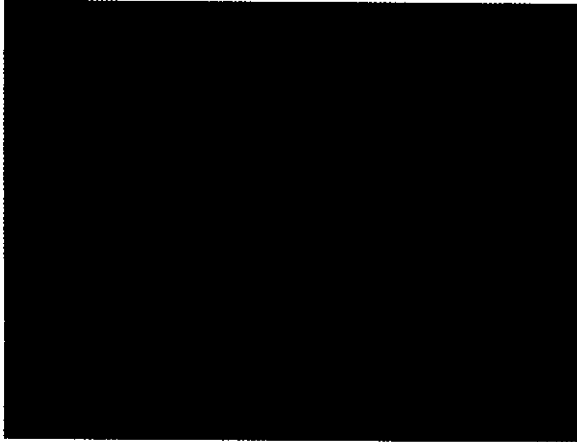
و) خفته راسته جناغی در فیلگوشهای طاق (شکل ۱۱).



شکل ۱۲

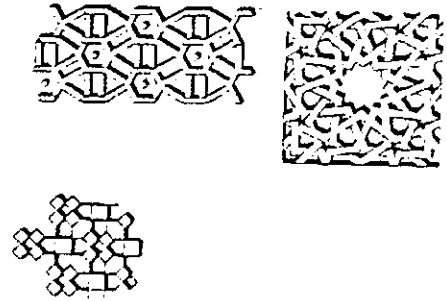
۱-۲- تزیینات خفته رفته (پتگین)

این تزیینات که به خفته راسته برجسته و فرو رفته نیز معروف است، با پیش‌وپس شدن رگ چینی آجرها، جلوه‌های جذاب بصری را در نورهای متفاوت پدید می‌آورد. این نوع تزیینات در گنبد خاگی، فراوان استفاده شده است (شکل ۱۳) [۴، صص ۲۴۳-۲۴۶]. گاهی عمق فرورفتگی و برجستگی در این نقوش بسیار چشمگیر است؛ در این صورت به هشت و گیر معروف است که در توضیح شیوه یاد شده در محلهای مختلف این گنبد به آن اشاره خواهیم کرد.



شکل ۱۵

الف) خفته رفته با نقش چلیپایی در طاقنمای بزرگ غربی و شمالی: در این قسمت نقش چلیپایی و بندکشی گچی تزیینی در مرکز آن فرو رفته است (شکل‌های ۵، ۷ و ۹).



شکل ۱۳

د) خفته رفته هشت و گیر بازوبندی متداخل در دیواره طاق غربی ورودی جنوبی: این نقش بسیار زیبا که به جهت قرار گرفتن در مقابل منبع نوری که از سمت غربی گنبد، یعنی «ورودی علامه مجلسی» به آن می‌تابد، جلوه‌های بصری فوق‌العاده‌ای دارد و به صورت برجسته کردن نقش به کمک راسته و کله و خوابیده آجرها خود را می‌نمایاند (شکل ۱۶).

ب) خفته رفته بازوبندی در هلال داخلی قوس طاقنمای شمالی، که در این قسمت، نقش بازوبندی برجسته شده و بر زمینه مسطح دیوار خودنمایی می‌کند (شکل ۱۴).

ج) خفته رفته کلوک بندان متداخل در هلال داخلی قوس طاقنمای غربی: این نقش متداخل که از گردش نقش کلوک‌بندان در خود به‌وجود آمده است به شیوه معقلی و با برجسته کردن نقش بر روی سطح زمینه انجام شده است (شکل ۱۵).



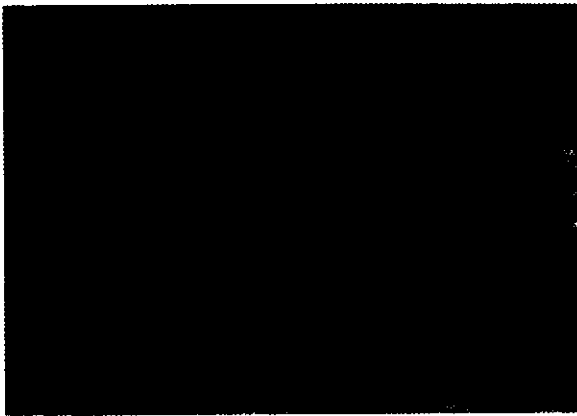
شکل ۱۶



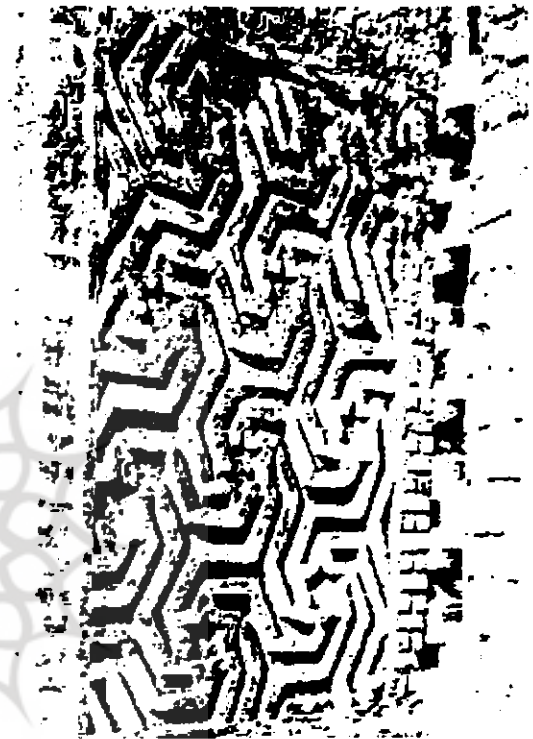
شکل ۱۴



ه) خفته رفته هشت و گیر با نقش پیچ ستاره‌ای در دیواره طاق شرقی ورودی جنوبی: این نقش بسیار بدیع، ستاره‌های شش ضلعی و پیچهای رابط آنها را در برجستگی قابل توجهی بر روی سطح دیوار نمایان می‌کند و یکی از زیباترین و نادرترین نقوش آجرکاری است (شکل ۱۷) [۱، ص ۱۵۱].



شکل ۱۸



شکل ۱۷



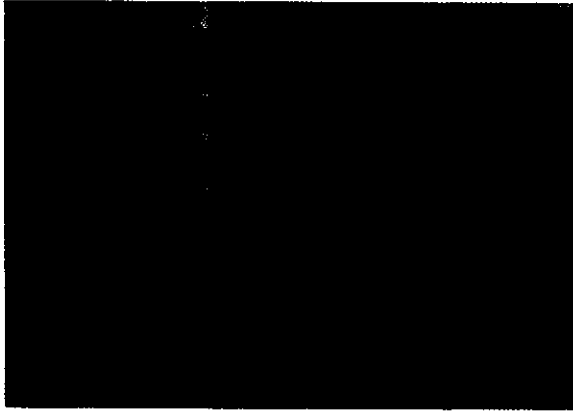
شکل ۱۹

۱-۳- تزئینات آجرکاری با آجر پیش بر

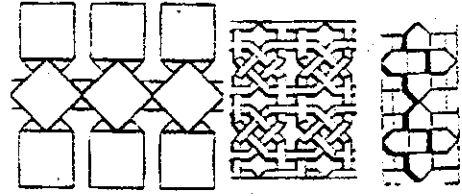
این نوع آجرها که معمولاً بر روی ستونها و ستونچه‌ها کار گذاشته می‌شود به علت آنکه هنگام خام بودن خشت و قابلیت برش و شکل‌پذیری به وسیله ابزار برنده، بریده شده و می‌تواند هر شکلی به خود بگیرد، مورد مصرف فراوانی در تزئینات معماری اسلامی دارند. در گنبد خاکی نیز نمونه‌های بسیار استادانه‌ای از آن را در محلهای خاصی می‌توان دید (شکل ۲۰) از آن جمله در: الف) طاقنمای ستونهای بیرونی گنبد (سمت جنوبی) به شکل لوزی در جهات مختلف، با تزئینات بندکشی گچی (شکل ۲۱).

و) خفته رفته لوز و چهار لنگه، خفته رفته شمسه شش بر برجسته و شش پرکند فرو رفته و خفته رفته، شش پر فرورفته با لوز برجسته که به صورت نامتقارن بر روی پشت بغلهای نفول تزئینی روی طاقنماهای بلند اطراف گنبد تزئین شده‌اند. میانه این نقوش با بندکشی گچی تزئینی آراسته شده است (شکل‌های ۱۸ و ۱۹).

ز) خفته رفته گره شش هندسی و تزئینات بندکشی گچی بین آجرها که روی پشت بغلهای طاقنماهای بزرگ چهار ضلع گنبد خودنمایی می‌کند (شکل ۱۵).



شکل ۲۲



شکل ۲۰

ب) ستونهای باریک طرفین طاقنماهای بزرگ چهار ضلع گنبد با آجر بیش بر ۵ ضلعی و تزیینات بندکشی گچی که مجموعاً طرح یک ستاره ۶ پر را القا می کند (شکل ۲۲)



شکل ۲۳

د) حاشیه‌های باریک در بالا و پایین کتیبه نغولهای تزیینی طاقنماهای بلند، حاشیه گنبد در بالای نغولها و ابتدای فیلگوشهای طاق که با نقش لوز و شش کند تزیین شده است و در بسیاری از قسمتها با تخریب ملاط گچی بین آنها شیوه کار شده با آجر پیش بر خود را می نمایاند (شکل ۲۴).



شکل ۲۱

ج) پشت بغلهای نغول تزیینی بالای طاقنماهای باریک و بلند اطراف گنبد که نقوش لوز و چهار لنگه، شمسه شش برجسته و شش کند فرو رفته، شش پر فرو رفته و لوز برجسته را به وجود آورده و میانه نقوش با تزیینات بندکشی گچی تزیین یافته است (شکلهای ۱۸، ۱۹ و ۲۳).



شکل ۲۴



آغاز می‌شود (شکل ۲۶) [۷، ص ۷۷].

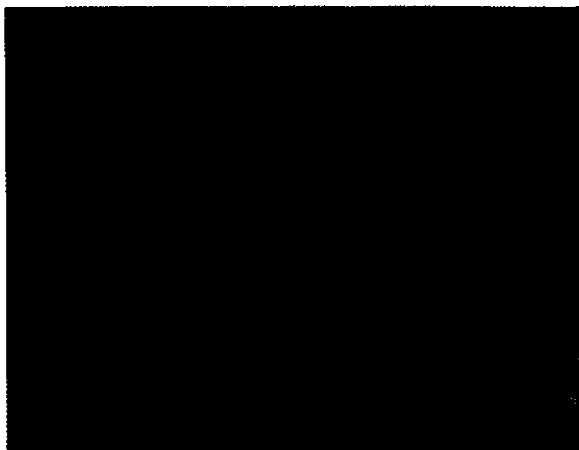
۱-۴- تزئینات آجرکاری معرق بر روی

کتیبه‌ها

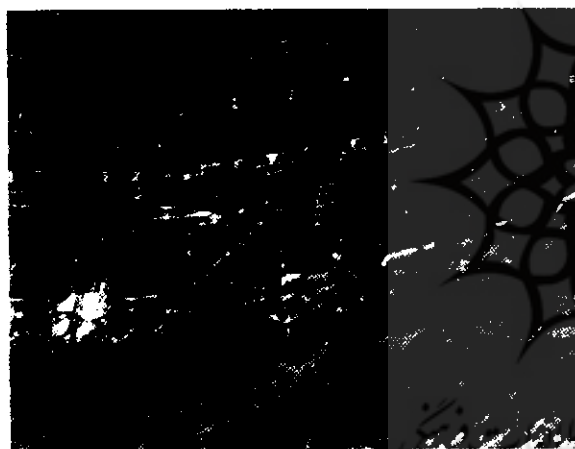
شیوه معرق یا کنار هم گذاردن بریده‌های یک نقش، شیوه‌ای دیرین و پر استفاده در هنر تزئینات معماری است. اگر چه معمولاً نام این شیوه با کاشی و کاشیکاری همراه است، اما بسیار پیش از آن، در دوره سلجوقی برای نگارش کتیبه‌ها بر روی سطوح مقعر هلال داخلی طاقها و طاقناها (شاه نشین صفا شاگرد در مسجد جامع اصفهان) و دورادور گنبد (گنبد نظام‌الملک مسجد جامع اصفهان) از این شیوه با ظرافت استفاده شده است. در این شیوه شکل حرف مورد نظر را بر روی خشت خام درآورده (یعنی به وسیله ابزار برنده خشت خام را شکل داده) و سپس با تراشیدن و صاف کردن سطوح اضافی بعد از پخت آجر و چفت کردن حروف، در کنار یکدیگر کتیبه‌های برجسته منحصر به فردی ایجاد می‌گردد (شکل ۲۵).

در تزئینات گنبد خاکی نیز برای نگارش کتیبه‌های قرآنی بر روی سطوح مختلف، شاهد اجرای موفق این شیوه تزئینی می‌باشیم.

الف) دیواره هلال داخلی طاق ورودی جنوبی: در اطراف این هلال داخلی با آجرکاری معرق، نگارش آیه ۲۶ و ۲۷ سوره آل عمران و جمله بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم به خط کوفی ساده انجام گرفته است (شکل ۲۶) [۷، ص ۷۷].



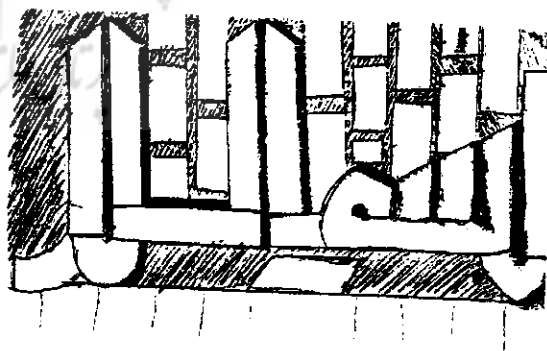
شکل ۲۶



شکل ۲۷

ج) کتیبه‌های ۳۲ گانه پشت بغل دورادور گنبد که هر کدام با دو کلمه صفات خداوند را بیان می‌کند: هو‌العلی، هو‌الدیان، هو‌الفنی، هو‌الحکیم، هو‌الحق، هو‌الله، هو‌الرحمن، هو‌المجید، هو‌الملک، هو‌الحی، هو‌السلام، هو‌المؤمن، هو‌المهمین، هو‌العزیز، هو‌الکریم، هو‌المنجی، هو‌الخالق، هو‌المصور، هو‌الباقی، هو‌المفرد، هو‌الصمد، هو‌الاول، هو‌الآخر، هو‌الصادق، هو‌الخبیر، هو‌الغفور، هو‌البصیر، هو‌الواحد، هو‌القادر، هو‌العالی، هو‌الاعلی (شکل ۲۴).

د) کتیبه دورادور گنبد که شامل آیه ۵۴ از سوره اعراف و نام بانی ساختمان و سال ساخت آن می‌باشد نیز در این کتیبه قید شده است (شکل ۲۷).



شکل ۲۵

ب) در هشت قاب کوچک حد فاصل طاقناهای بلند دور تا دور گنبد و نغولهای تزئینی فوقانی این طاقناها آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری جای گرفته است. این کتیبه از گوشه جنوب غربی

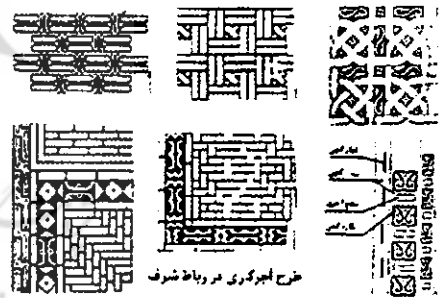
۱-۵- تزیینات بندکشی گچی

تزیینات آجری خفته رفته در پشت بغلهای نغولهای تزیینی، حدفاصل کتیبه‌های آجری پشت بلغهای ۳۲ گانه در انتهای منشور گنبد، هلال داخلی طاقهای جنوبی و شرقی، (شکل ۳۰) پشت بغلهای طاقنماهای بلند اطراف گنبد (شکل ۳۱) و نیز حدفاصل تزیینات خفته راسته در طاقنماهای فیلگوشهای چهار گوشه گنبد (شکل ۳۲) به چشم می‌خورد و یکی از متنوع‌ترین نوع تزیینات بندکشی گچی در این گنبد است. این بندکشی تزیینی حالت برجسته و فرو رفته بیشتری دارد و از فواصل زیاد نیز قابل رؤیت است. به همین جهت در تزیینات آجرکاری گنبد برای ارتفاع بالا و تزیین بخشهای فوقانی گنبد به کار رفته است و تقریباً غیر از این نوع، از انواع دیگر برای بخشهای فوقانی استفاده نشده است.

یکی از عمده‌ترین و چشم‌گیرترین جلوه‌ها در تزیینات آجری گنبد خانگی بندکشیهای گچی است که فضای لابلاهی آجرها را پر می‌کند. این بندکشیها در آجرکاری دوره سلجوقی یکی از متنوع‌ترین مجموعه تزیینات را تشکیل می‌دهد. در مسجد جامع اصفهان بویژه در صفا شاگرد و گنبد تاج‌الملک به تعدد و تنوع فوق‌العاده‌ای از این نوع تزیینات بر می‌خوریم که نمونه‌های مشابه آن در بسیاری از بناهای این دوره منجمله در آجرکاری مسجد جامع برسیان به چشم می‌خورد.

در این نوع تزیینات، بندکشیهای افقی عرض کمتر و بندکشیهای عمودی عرض بیشتری دارند و با ایجاد فاصله افقی بیشتر میان آجرها، زمینه لازم و مناسب برای اجرای تزیینات فراهم شده است.

در اجرای این نوع تزیین پس از ریختن ملاط گچی لابلاهی آجرها و صاف کردن آن، سطوح عمودی این بندکشیها به وسیله قالبهایی برجسته، مهر و نقش مثبت آن روی گچ نمایان می‌شود (شکل ۲۸) [۴، صص ۲۴۳-۲۴۶].



شکل ۲۸

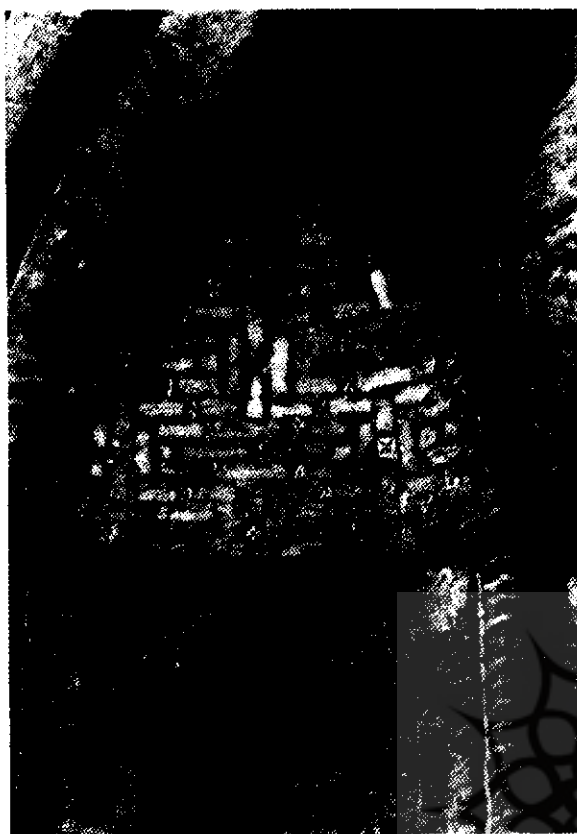
مجموعه این تزیینات از فاصله ۷۰cm ازاره گنبد آغاز شده و نقوش عمده‌ای را شامل می‌شود:

الف) این نوع بندکشی در طاقنمای شمالی و غربی، (شکل ۷) دیواره داخلی طاقهای جنوبی و شرقی، (شکل ۵) سکنجهای شانزده گانه روی فیلگوشها، فضای میانی کتیبه‌های آجری، نغولهای تزیینی در لابلاهی طاقنماها، (شکل ۲۹). حد فاصل



شکل ۲۹

ب) نوع دیگری از تزیینات بندکشی گچی را در ستونهای خارجی دیواره جنوبی گنبد می‌توان دید. از این نوع بندکشی در داخل گنبد استفاده نشده است و منحصرأ در قسمت خارجی ورودی جنوبی، ازاره‌های خارجی این ورودی و قسمت داخلی طاقنماهای ستون بیرونی این ورودی نمایان است (شکل ۳۳).



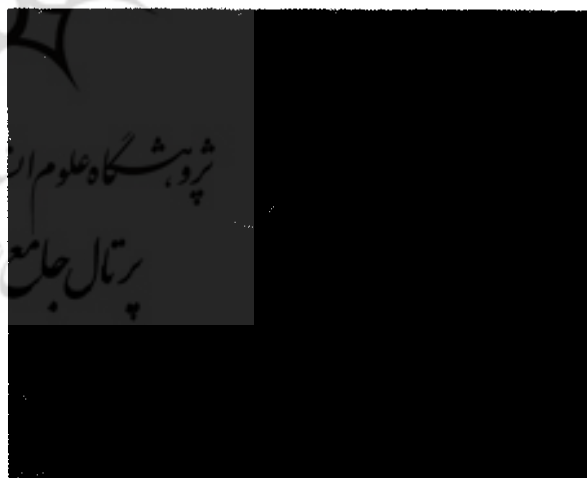
شکل ۳۲



شکل ۳۰



شکل ۳۳



شکل ۳۱

د) ستونهای مدور ما بین طاقها و طاقنماهای بخش پایین گنبد که با آجر پیش بر و به شکل پنج ضلعی آجرکاری شده است. در میانه آجرها نوعی تزئین را در خود جای داده است که در تلفیق با آجرهای پنج ضلعی تشکیل نقش سناره ۶ پر را می‌دهد (شکل ۲۲): بندکشی تزئینی در این قسمت برجسته تر از سطح آجرهاست و به صورت نوارهای باریک و منظم، نقش را می‌سازد.

ج) در تزئینات ستونهای تخت، ما بین طاقها و طاقنماهای بخش پایینی گنبد، نوعی تزئین وجود دارد که در مرکز تزئینات خفته راسته این ستونها قرار گرفته است. مجموعه این نقوش که به شکل مربع اجرا شده است با نقوش مرکبی به صورت تک نقش خودنمایی می‌کند (شکل‌های ۳۴، ۳۵).

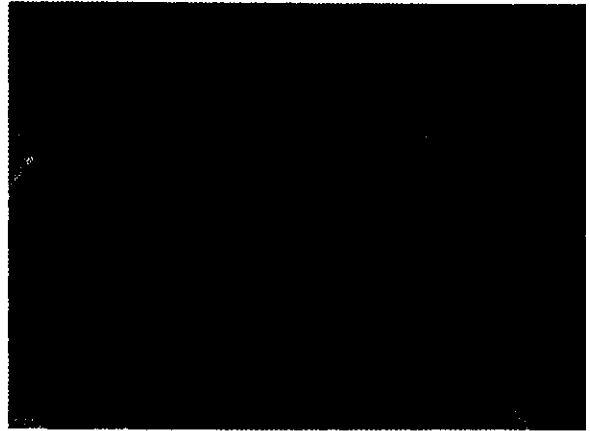
به‌جا مانده از این دوران بار دیگر اثبات می‌کند که هر زمان، آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی بر ایران حاکم بوده، هنر ایرانی رشد و اعتلای خویش را به سرعت پیموده است. در این مسیر حتی بیگانگان و اقوام غیر ایرانی (مانند سلجوقیان) یا حتی مهاجم (مانند مغولها) را جذب خویش و مسحور خود نموده است.

این گنبد با ریاضیات دقیق خویش در ساخت و پرداخت، نمایانگر تعهد هنرمند ایرانی، قریب نهصد سال پیش است که گنبد پابرجای سلجوقی را در فراز و نشیبهای تاریخ حفظ کرده است.

گنبد خاگی گنجینه‌ای از مجموعه تزیینات آجرکاری دوره سلجوقی است که نه تنها وجه تزییناتی آن بلکه وجه سازه‌ای این عنصر بخوبی در آن مشخص است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ معماری ایران، مصالح آجر با قابلیت‌های چنین بی‌نظیر به کار گرفته نشده است یا بهتر بگوییم در هیچ دوره‌ای از تاریخ معماری ایران قابلیت‌های این عنصر تا به این حد شناخته نشده و از آن استفاده مثبت صورت نگرفته است. این گنبد و تزیینات آجرکاری آن مبین تکامل تدریجی این هنر از دوره سامانیان، غزنویان و سپس انتقال آن به سلجوقیان است، همچنین مؤید این نکته است که سلجوقیان به‌عنوان مردمی وارد شده به تاریخ ایران، بر زمینه فرهنگی بسیار غنی قرن پنجم ه. ق. ایران پای گذاردند، با جذب و هضم عناصر مثبت فرهنگی و هنری، راه اعتلای این عناصر مثبت را هموار کرده و آنرا رشد دادند.

۳- منابع

- [۱] پوپ. آوتور آبهام؛ معمای ایران؛ ترجمه: غلامحسین صدیقی افشار، ج ۲، تهران: انتشارات فرهنگیان، ۱۳۷۰؛ صص ۱۰۷، ۱۳۹، ۱۴۵.
- [۲] گالدیری؛ مسجد جامع اصفهان؛ ترجمه عبدالله جبل عاملی؛ اصفهان، انتشارات سازمان میراث فرهنگی؛ ۱۳۷۰، صص پیشگفتار.
- [۳] گذار، آ؛ آثار ایران؛ ج ۱؛ جزوه دوم چاپخانه اداره باستان‌شناسی؛ تهران؛ ۱۳۱۶، صص ۱۱۷-۱۲۲.
- [۴] حاتم، غلامعلی؛ معماری ایران در دوره سلجوقیان؛ تهران؛ انتشارات جهاد دانشگاهی؛ ۱۳۷۹، صص ۱۸، ۱۹، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۶۲.



شکل ۳۴



شکل ۳۵

۲- نتیجه گیری

گنبد خاگی مسجد جامع اصفهان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار ماندگار معماری اسلامی ایران، در یکی از درخشان‌ترین دوره‌های فرهنگی و هنری تاریخ ایران از چند جنبه خاص قابل بررسی است:

این گنبد نماد کامل، پابرجا و مستندی از معماری دوره سلجوقی است که نهایت رعایت اصول استحکامی بنا در عین حفظ ظرافت و جدابیت آن و سرشاری تزیینات آجرکاری در انواع شیوه‌های معمول آجرکاری سلجوقی در آن به اجرا درآمده است. این مسأله از یک‌سو نشان‌دهنده میزان مهارت، آگاهی و علم معماران سلجوقی به هنر معماری و از سوی دیگر نشان‌دهنده زمینه مساعد فرهنگی و هنری این دوران و حمایت سلاطین و فرمانروایان سلجوقی از هنر ایرانی در سایه آرامش و وحدت سیاسی حکومت سلجوقیان است که تأثیر مثبت وزرای ایرانی در آن غیر قابل انکار است. این گنبد و مجموعه تزیینات



[۵] پیرنیا، م.ک.؛ سبک شناسی معماری ایرانی؛ تهران؛ نشر

پژوهنده، ۱۳۸۰، صص ۱۸۲-۱۸۳.

[۶] فریه. ر.؛ هنرهای ایران؛ ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، نشر

فرزان، ۱۳۷۴، ص ۸۶.

[۷] هنر فر، لطف ا...؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان؛ ج ۲،

اصفهان، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰، ص ۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی